

کشاکش رشته‌ها در میدان دانشگاهی (مقایسه سرمایه فرهنگی رشته‌های چهارگانه دانشگاه دولتی اصفهان)

مهدی ژیانپور، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

آرش حسن پور، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس*

علی‌رضا نیلی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

چکیده

میدان دانشگاهی در دهه اخیر، دچار تغییرات ساختاری و سلسله مراتبی شده است. یکی از این تغییرات، موجودیت، استقلال، کسب پرستیژ رشته‌ای و هویت‌یابی رشته‌هایی، مانند جامعه‌شناسی به واسطه تمرکز حول سرمایه‌های جدیدی، همچون سرمایه فرهنگی است. در این مطالعه سعی شده است با تکیه بر نظریه فرهنگی پی‌یر بوردیو و بحث او در کتاب انسان دانشگاهی، میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان چهار رشته جامعه‌شناسی، پزشکی، حقوق و طراحی صنعتی (هنر) - همگی از بین دانشجویان دانشگاه دولتی اصفهان - ارزیابی شود. شیوه گردآوری داده‌ها در چارچوبی پیمایشی، پرسشنامه ساختمانده بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: رشته جامعه‌شناسی و طراحی صنعتی دارای بالاترین میزان سرمایه فرهنگی‌اند و رشته‌های حقوق و پزشکی دارای سرمایه فرهنگی کمتری نسبت به دانشجویان جامعه‌شناسی و طراحی صنعتی هستند. همچنین، نتیجه دیگر پژوهش حاکی از آن است که رشته‌های جامعه‌شناسی، پزشکی، حقوق و طراحی صنعتی همگی دارای میانگین سرمایه فرهنگی کمتر از متوسط نظری تعریف شده هستند. بر اساس یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت، با پدید آمدن سلسله مراتبی متمایز به نام سلسله مراتب فرهنگی در کنار سلسله مراتب اجتماعی، میدان دانشگاهی واجد قطب‌های جدید و کشاکش‌های نمادینی میان رشته‌های دانشگاهی شده است. یافته‌های این مطالعه تأیید می‌کند که یکی از میادینی که بدین سلسله مراتب، رسمیت و هویت بخشیده، میدان علوم اجتماعی و دانشجویان جامعه‌شناسی است که با دارا بودن سرمایه متمایزی به نام سرمایه فرهنگی، در تکاپوی هویت بخشی، کسب قدرت و مرجعیت‌یابی برای خود در صورت‌بندی نوپدید میدان دانشگاهی ایران است.

واژه‌های کلیدی: میدان دانشگاهی، سلسله مراتب اجتماعی و فرهنگی رشته‌های دانشگاهی، سرمایه فرهنگی، کشاکش رشته‌ها

طرح مسأله

باور موجود در جامعه ایران در ارتباط با رشته‌های دانشگاهی، باوری ارزش‌گذاری شده است. دوکسای^۱ موجود در این باره، قائل به وجود رشته‌های دانشگاهی پرآوازه، همچون پزشکی، مهندسی و حقوق است. این رشته‌ها در جامعه ایرانی و باور عامه، منزلت بالایی را تصاحب نموده‌اند. این منزلت بالا متأثر از عواملی، چون: درآمدزایی بالا، کارکردهای عینی و ملموس و رفع نیازهای زیستی و پایه‌ای مردم جامعه است. از سویی می‌توان به رشته‌هایی اشاره نمود که اگرچه منزلت اجتماعی و الایی ندارند، اما در گفتمان روشنفکرانه و نخبه‌گرایانه، مهم ارزیابی می‌شوند.

علوم اجتماعی و در رأس آن، جامعه‌شناسی در دهه‌های اخیر پس از گذر از مراحل تأسیس، پایه‌گذاری، کسب مشروعیت، تثبیت و استقلال، اکنون به جایگاه متمایز و مستقلی در همجواری با رشته‌های دیگر آکادمیک دست یافته و همین مسأله باعث شده تا به طور خاص از دهه هفتاد شمسی این رشته در ایران از علمی صرفاً حاشیه‌ای به حوزه اصلی بحث و گفتگو تبدیل شود (آزادارمکی، ۱۳۸۷: ۷). این وضعیت نوظهور، میدان دانشگاهی در ایران را به لحاظ آرایش و ترتیبات درونی و ساختاری متحول گردانید. به طوری که اکنون میدان دانشگاهی در تصاحب و تسلط نمادین رشته‌هایی همچون پزشکی، مهندسی و حقوق نیست و در این میدان، قطب‌هایی، همچون: جامعه‌شناسی، فلسفه و هنر نیز موجودیت و نضج گرفته و صورت‌بندی میدان دانشگاهی را تغییر داده‌اند. شاهد این مدعا تمایل فزاینده برای تحصیل جامعه‌شناسی در بین دانشجویانی است که

تحصیلات مقاطع پایین‌تر آنان غیر از رشته جامعه‌شناسی بوده است. شرایط جدید فرهنگی و اجتماعی موجب شده تا در حوزه علوم انسانی برای متقاضیان ورود به کنکور، جامعه‌شناسی از اولویت اول و دوم برخوردار شود. در دهه‌های اخیر، بسیاری از دانشجویان مقاطع ارشد و دکتری، از فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی و مهندسی هستند. برای مثال، در سال ۱۳۸۲ بیش از ۶۰ درصد از قبول‌شدگان در مقطع کارشناسی ارشد از رشته‌های غیرعلوم اجتماعی بودند (همان: ۲۰).

حیات جامعه‌شناسی در ایران اگرچه جدید و نسبت به بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی مثل حقوق و علوم سیاسی موخر است؛ اما با این وصف، جامعه‌شناسی اکنون با قابلیت‌های کلی، از قبیل: داشتن انجمن‌های علمی و حرفه‌ای، مجلات علمی، استادان زیاد (در حدود دو هزار مدرس جامعه‌شناس)، گروه‌های آموزشی و حدود دویست هزار دانشجو در مقاطع متعدد، توانسته است موقعیت ویژه‌ای برای خود فراهم نماید (همان: ۲۲). همچنین، نیاز مبرم جامعه به شناخت پدیده‌ها و مسائل اجتماعی باعث می‌گردد که روز به روز بر اهمیت این رشته به عنوان یک حرفه افزوده گردد (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۵۳).

این اقبال از آنجا ناشی می‌شود که این رشته علمی از توانایی بالایی برای پاسخگویی به بسیاری از مسائل اجتماعی برخوردار است. بسیاری بر این باورند که جامعه‌شناسی چنانچه بتواند جایگاه اصلی خود را در جامعه پیدا کند، می‌تواند به عامل تعیین‌کننده‌ای در جهت کاهش تنش‌ها و آسیب‌های اجتماعی هر جامعه‌ای تبدیل شود (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۲). جامعه‌شناسی اگرچه جوانترین دانش اجتماعی است، اما قابلیت‌های شگرف این رشته غیرقابل تردید است. جامعه‌شناسی به مثابه مشغولیتی

۱- دوکسا (Doxa) دیدگاهی خاص است که تمایل دارد خود را به مثابه دیدگاه جهان‌شمول ارائه و تحمیل کند (بورديو، ۱۳۸۸: ۶۸).

متعلق به اقشار بالایی طبقاتی جامعه هستند (عبداللهی، ۱۳۷۵)، منطق و سرمایه‌ای که هویت‌بخش سلسله مراتب فرهنگی است، متفاوت بوده و دانشجویان علوم انسانی و هنر به سمت برخورداری از ویژگی‌هایی چون کمیت و کیفیت مهارت‌ها، مصرف کالاهای فرهنگی و مدارک سوق داده می‌شوند.

بدین منظور، در این پژوهش سعی شده است، وضعیت سرمایه فرهنگی دانشجویان جامعه‌شناسی (و هنر) در مقایسه با وضعیت این سرمایه در بین دانشجویان رشته‌های شاخص سلسله مراتب اجتماعی - اقتصادی بررسی قرار شود و از خلال این ارزیابی، فرضیات تحقیق آزمون شود. به طور کل این مطالعه در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست:

- ۱ - آیا در نظام رشته‌های دانشگاهی ایران، سلسله مراتب دیگری جز سلسله مراتب اجتماعی وجود دارد؟
- ۲ - آیا می‌توان در میدان دانشگاهی، سلسله مراتب فرهنگی نوظهوری را کشف نمود؟
- ۳ - آیا رشته‌هایی که در صدر سلسله مراتب فرهنگی قرار دارند، دارای سرمایه فرهنگی بیشتری نسبت به دیگر رشته‌ها هستند؟
- ۴ - آیا تفاوت معناداری بین سرمایه فرهنگی رشته جامعه‌شناسی و دیگر رشته‌ها وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

از آن جهت که در این پژوهش در پی سنجش میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان در میدان دانشگاهی هستیم، در این بخش، به مطالعاتی اشاره خواهد شد که در آن سرمایه فرهنگی به عنوان متغیری مستقل یا وابسته مطالعه شده است. بر همین اساس، در این پژوهش‌ها به چارچوب نظری مورد استفاده و معرف‌ها و مؤلفه‌های سنجش سرمایه فرهنگی خواهیم پرداخت.

و سوسه برانگیز که پیوسته جامعه‌شناس را برای طرح سؤال حتی بیشتر و بیشتر اغوا می‌کند (برگر، ۱۹۶۳: ۷۶)؛ با دیدگاه انتقادی‌اش این قابلیت را دارد که آنچه مردم در فرهنگشان درونی کرده‌اند، به پرسش بکشد، بدیهیات را با تردید مواجه سازد و نقاب از چهره واقعیات اجتماعی بردارد و نهایتاً به لایه‌های پنهان و مغفول مسائل اجتماعی توجه کند. به علت همین ویژگی‌هاست که جامعه‌شناسی همواره از جانب رشته‌های دیگر، عامه مردم، نهادها و سازمان‌ها به مثابه رشته‌ای «برآشوبنده و شورشی» توصیف شده است (بون ویتز، ۱۳۹۰).

بر این اساس و برای معنادهی به این واقعیت که در میدان دانشگاهی در برابر سلسله مراتب اجتماعی - اقتصادی با شاخص رشته‌هایی، همچون: پزشکی و مهندسی (یا به طور کل رشته‌هایی که منزلت اجتماعی بالایی دارند)، سلسله مراتب جدیدی با شاخص رشته‌هایی، همچون: جامعه‌شناسی و هنر (یا به طور کل رشته‌هایی که منزلت فرهنگی بالایی دارند) شکل گرفته، این مطالعه به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که در این میدان، دانشجویان جامعه‌شناسی در تقابل با دانشجویان رشته‌های پزشکی و مهندسی، با چه سرمایه‌ای می‌توانند به موجودیت خود، هویت بخشند و خود را متمایز سازند. مفروضه ما در این پژوهش آن است که این موقعیت متمایز برای دانشجویان رشته جامعه‌شناسی حول سرمایه فرهنگی شکل می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، می‌توان گفت از آنجا که هم اکنون در میدان دانشگاهی، مرجعیت، کسب قدرت و ارتقا در سلسله مراتب اجتماعی - اقتصادی و به طور خاص برای دانشجویان رشته‌های پزشکی و مهندسی، حول امتیازهایی چون وضعیت مالی خود و خانواده یا منزلت و پرستیژ شغلی خود و خانواده شکل گرفته و دانشجویان این رشته‌ها عمدتاً به لحاظ طبقاتی و پیشینه خانوادگی

پرداخته‌اند. محققان در این پژوهش، سرمایه فرهنگی را در سایه نظریه بوردیو با معرف‌هایی، همچون: تحصیلات افراد، میزان کتاب خواندن، میزان دارایی کالاهای فرهنگی مانند کتاب و نوع موسیقی مصرفی افراد می‌سنجند.

- فعلی و ذوالفقاری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی افراد روی میزان اعتماد آنها به پلیس» به بررسی تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی افراد بر میزان اعتماد آنها به پلیس پرداخته‌اند. عمده‌ترین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین سرمایه اقتصادی و میزان اعتماد به پلیس رابطه معکوس وجود دارد. این مطالعه سرمایه فرهنگی را در چارچوب ادبیات نظری پی‌یر بوردیو و با شاخص‌سازی آن با سه بعد اصلی این سرمایه انجام داده است.

- فخرایی و کریمیان (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هویت‌پذیری» به بررسی رابطه سرمایه فرهنگی بر هویت افراد می‌پردازند. نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد که همبستگی معنادار و مثبتی بین سرمایه فرهنگی و هویت ملی، قومی و دینی وجود دارد. این مطالعه سرمایه فرهنگی را در چارچوب نظریه بوردیو بررسی نموده و برحسب سه بعد ذهنی، عینی و بعد نهادینه شده مورد سنجش قرار داده است.

- بقایی و سرابی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت دانشگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی» به بررسی تأثیر متغیرهایی، همچون: متغیر سرمایه فرهنگی، فرهنگ دانشگاهی و انگیزه‌های تحصیلی بر هویت دانشگاهی دانشجویان می‌پردازد. وی برای سنجش بحث سرمایه فرهنگی از نظریه بوردیو و ابعاد این سرمایه؛ یعنی بعد متجسم، عینی و نهادینه شده استفاده می‌کند و نشان می‌دهد، سرمایه فرهنگی در تبیین هویت دانشگاهی اهمیت دارد و بین این دو متغیر رابطه

- شالچی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «سبک زندگی جوانان کافی شاپ» در بحث میزان بهره‌مندی جوانان کافی شاپ از انواع سرمایه، به سنجش متغیر سرمایه فرهنگی پرداخته است. محقق برای سنجش این متغیر با استفاده از نظریه پی‌یر بوردیو و بعد متجسم سرمایه فرهنگی به سنجش این متغیر نزد جوانان پرداخته است.

- جان‌علیزاده، خوش‌فر و سپهر (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی»، به بررسی رابطه و تأثیر سرمایه فرهنگی خانواده بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته است. این تحقیق با استفاده از چارچوب نظری بوردیو، سرمایه فرهنگی خانواده‌ها را با استفاده از عملیاتی‌سازی سه بعد متجسم، عینی و نهادینه شده سنجش و ارزیابی شده است.

- نوغانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی» به دنبال بررسی نقش سرمایه فرهنگی بر احتمال قبولی و نمره کسب شده داوطلبان آزمون سراسری ورود به دانشگاه است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در پرتو حضور سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی سهم مثبت و معناداری بر احتمال قبولی و نمره کسب شده داوطلبان دارد. وی برای سنجش سرمایه فرهنگی، از نظریه بوردیو استفاده نموده و به بحث پیرامون انواع سرمایه پرداخته و از ابعاد سرمایه فرهنگی برای سنجش آن استفاده کرده است.

- فرجی و حمیدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «نحوه بازنمایی مصرف‌گرایی: بازنمایی سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی در سریال‌های تلویزیونی» به بررسی نحوه بازنمایی و میزان این دو سرمایه در سریال‌های تلویزیونی

وجود دارد.

- غائب (۱۳۸۶) در پایان نامه خود به مطالعه «تأثیر و رابطه سرمایه فرهنگی با سبک زندگی دختران نوجوان شهر تهران» پرداخته است. وی با استفاده از نظریه بوردیو، اریکسون و دی ماجو، رابطه میزان های مختلف سرمایه فرهنگی را با انواع گوناگون سبک زندگی آنها بررسی و همبستگی سرمایه فرهنگی را با انواع سبک های زندگی مطالعه کرده است.

- شارع پور و خوش فر (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان شهر تهران» رابطه ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی را با نحوه تعریف افراد از خویشتن بررسی کرده است. نتایج حاصل از بررسی، حاکی از این است که بین سرمایه فرهنگی و برجستگی هویت فردی و هویت خانوادگی و هویت ملی رابطه ای مستقیم وجود دارد. این مطالعه نیز برای سنجش سرمایه فرهنگی از ادبیات نظری بوردیو، و ابعاد سرمایه فرهنگی استفاده نموده است.

- ابراهیمی (۱۳۸۰) در مقاله ای با عنوان «بررسی تأثیر نابرابری اجتماعی بر توزیع سرمایه فرهنگی و نقش سرمایه فرهنگی در باز تولید اجتماعی» به سنجش متغیر سرمایه فرهنگی پرداخته است. وی در این تحقیق سرمایه فرهنگی را با استفاده از ادبیات نظری بوردیو و شاخص هایی، همچون: عضویت در کتابخانه، میزان تحصیلات پدر و مادر و خود افراد، محل تحصیل، نوع موسیقی ای که افراد گوش می دهند، کلاس های زبان خارجی، نوع ورزش و اوقات فراغت خانواده، سنجیده است.

نوبل و دیویس (۲۰۰۹) در مقاله ای با عنوان «سرمایه فرهنگی به مثابه تبیین برای تنوع مشارکت در آموزش عالی» به ابزاری برای سنجش سرمایه فرهنگی در بین دانش آموزان دست یافته اند. آنان معتقدند تنوع در سرمایه

فرهنگی با تفاوت های طبقه اجتماعی مرتبط است و این تنوع خود را در مشارکت دانش آموزان نشان می دهد. مبنای این مطالعه بر اساس نظریه بوردیو و بحث ابعاد سه گانه سرمایه فرهنگی است.

- پیر اسکاندیزو (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان «مصرف کالاهای فرهنگی و سرمایه فرهنگی» در بحث سنجش سرمایه فرهنگی با استفاده از نظریه بوردیو، با سنجش مصرف کالاهای فرهنگی (رفتن به تئاتر و اپراها، موسیقی، درام و دیدار از موزه ها) به سنجش این متغیر می پردازد. به عبارت دیگر، این مطالعه، سرمایه فرهنگی را با استفاده از بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی مورد سنجش قرار داده است.

- سوزان و مایس (۲۰۰۲) در مقاله «سرمایه فرهنگی، جنسیت و موفقیت تحصیلی» تأثیر عادت واره را بر جنسیت مورد توجه قرار داده اند. وی مدلی را برای سنجش سرمایه فرهنگی طراحی و نقش عادت واره را بر نتایج آموزشی بررسی نموده است. چارچوب نظری این مطالعه بر اساس نظریه پی یر بوردیو و بحث ابعاد سرمایه فرهنگی است. این پژوهش با استناد و استفاده از تحقیقات پیشین در این حوزه، به تدوین و شاخص سازی پرسشنامه تحقیق و سنجش پذیر ساختن متغیر چندبعدی سرمایه فرهنگی اقدام نموده است. همچنین، باید گفت که این مطالعه برخلاف مطالعه های پیشین در راستای بررسی متغیر سرمایه فرهنگی در مقام متغیری مستقل و وابسته نیست و از همین جهت نیز می توان گفت این مطالعه - چنانکه در بخش روش تحقیق بیشتر بدان اشاره خواهد شد- تک متغیره است. تفاوت دیگر این پژوهش با مطالعه های قبلی در انتخاب جامعه آماری تحقیق و پرداختن به میدان دانشگاهی است. از این حیث- همان گونه که بوردیو نیز بر آن تأکید دارد- این مطالعه گونه ای جامعه شناسی، جامعه شناسی یا مطالعه ای عالمانه بر همان

لازم و ملزوم یکدیگر بوده و حالتی درهم پیچیده دارند. بر همین اساس می‌بایست به مفاهیم نزدیک به هدف و سوالات این پژوهش مانند: فضای اجتماعی، میدان، مفهوم سرمایه، انواع آن (و به طور خاص سرمایه فرهنگی) پرداخت و همچنین نظریه انسان‌شناسی بوردیو را بررسی و تشریح کرد.

فضای اجتماعی^۴: فضای اجتماعی در اندیشه بوردیو، یک فضای توزیع است؛ فضای توزیع، مجموعه وسیعی از مواضع سلسله مراتبی است که هر موضع با روابطی که با سایر میدان‌های نزدیک برقرار می‌کند، مشخص می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۱۳). فضای اجتماعی در اندیشه بوردیو متشکل از مجموعه میدان‌های مرتبط با هم است.

میدان^۵: میدان فضای روابط میان کنشگران و عرصه رقابت برای کسب جایگاه، در سلسله مراتب قدرت درون میدان است. میدان را همچنین می‌توان صحنه کشاکشی دانست که در آن کنش‌گران و نهادها در پی حفظ یا براندازی نظام موجود سرمایه هستند (استونز، ۱۳۸۷: ۳۳۶) میدان از درون، براساس روابط قدرت ساخت می‌یابد (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۶). آنچه به میدان معنا می‌دهد، سرمایه است. حجم و ترکیب انواع سرمایه‌ها، جایگاه فرد را در سلسله مراتب میدان تعیین می‌کند.

سرمایه^۶: اصطلاح سرمایه معمولاً به فضای اقتصادی و مبادله مالی مربوط می‌شود. اما استفاده بوردیو از این اصطلاح گسترده‌تر است (بون ویتز، ۱۳۹۰: ۱۶۹). مفهوم چند وجهی سرمایه که به همت بوردیو پردازش شده، به ما امکان می‌دهد، به بازنمایی مناسب‌تری از ساختار و نظام روابط در هر فضای اجتماعی دست یابیم و به جای هرمی دیدن جامعه، جامعه‌ای با فضای چند بعدی متصور باشیم (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۱۰۰). از نظر بوردیوسرمایه

میدانی است که خود در آن فعالیت و رقابت می‌کنیم. رسوخ در میدان دانشگاهی و مطالعه رشته‌های دانشگاهی، همچون: جامعه‌شناسی با استفاده و به کارگیری ابزارها و مفاهیم جامعه‌شناسانه و همچنین، مقایسه رشته‌ها با به کارگیری مفهوم سرمایه فرهنگی، از جمله دستاوردها و نوآوری‌های این پژوهش است.

چارچوب نظری تحقیق

سرمایه فرهنگی مفهومی چندبعدی است که پیشینه نظری تقریباً گسترده‌ای در ادبیات جامعه‌شناسی دارد و متفکرانی چون اریکسون (۱۹۹۶) و دی‌ماجو (۱۹۸۲) به اندیشه پردازی پیرامون این مفهوم پرداخته‌اند. مفهوم پردازی و بسط نظری این مفهوم البته به صورت بنیادین، مرون تلاش‌های نظری پی‌یر بوردیو جامعه‌شناس شهیر فرانسوی است. راهنما و چارچوب نظری این پژوهش نیز نظریه پی‌یر بوردیو^۱ و به طور خاص نظریه انسان‌شناسی^۲ وی است. اندیشه و نظام نظری بوردیو وضعیتی رابطه‌مند دارد و مفاهیم در کنار یکدیگر معنا می‌یابند؛ در این نظام مفاهیم هر بعد با بعد دیگر مرتبط شده و خود آن نیز به شکلی رابطه‌مند^۳ تعریف می‌شود (بون ویتز، ۱۳۹۰: ۱۱۲). بوردیو برای به انجام رساندن ترکیب عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی و رفتن به فراسوی این دوگانه رایج، مجموعه بدیع و تازه‌ای از مفاهیم را وضع کرد که با مفاهیم عادت‌واره، میدان و سرمایه استحکام یافته است (استونز، ۱۳۸۷: ۳۳۴). برای بوردیو عادت‌واره، میدان و سرمایه هم از حیث تجربی و هم مفهومی دارای ارتباط درونی‌اند (بوردیو و واکوانت، ۱۹۹۲: ۹۶). عادت‌واره، سرمایه و میدان سه رأس مثلثی هستند که هیچ کدام برتر یا مقدم بر دیگری نیستند و هر سه برای درک جهان اجتماعی

⁴ Social Space

⁵ Field

⁶ Capital

¹ Pierre Bourdieu

² Homo Academicus

³ Relational

فرد شده است (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷). این سرمایه فرهنگی درونی شده، عادات و منش، مشرب و خلق و خوی فرهنگی ای است که از خانواده به فرزندان منتقل می شود و گویی به ارث می رسد (لاریو و واینیگر، ۲۰۰۳). داشتن دانش در زمینه های گوناگون و شناخت رمزگان جهان اجتماعی، نمونه هایی از سرمایه فرهنگی درونی شده اند. سرمایه فرهنگی عینیت یافته^۶ نیز شامل کالاهای فرهنگی، تمایل بدان ها و مصرف فرهنگی کالاها و محصولات فرهنگی است. همچنین، سرمایه فرهنگی نهادینه شده^۷، دستاوردها، توانایی ها، مهارت های تحصیلی و غیر تحصیلی است که به صورت مدرک به فرد ارائه شده و به لحاظ قانونی - عرفی به دارنده آن ارزش اجتماعی می دهد [۱].

انسان دانشگاهی: انسان دانشگاهی نام کتاب پی یو بورديو است که در سال ۱۹۸۴ پیرامون نظام دانشگاهی فرانسه منتشر گردید. بورديو در این کتاب سعی می کند به عنوان فردی که خود عضوی از آن میدان است (و از نزدیک با آن آشناست) از آن میدان فاصله بگیرد، آن را اسطوره زدایی کند و به تحلیل انتقادی آن پردازد (جنکینز، ۱۳۸۵: ۳۳). وی در این اثر معتقد است که ساختار آموزش عالی، ساختار زمینه قدرتی را که به آن دسترسی دارد، با منطق خاصی باز تولید می کند (بورديو، ۱۹۸۴: ۳۸). بورديو این کتاب را حول سه موقعیت متقاطع در میدان دانشگاهی می نویسد: موقعیت اول: بین قطب اجتماعی و قطب های فرودست؛ موقعیت دوم: بین باز تولید اجتماعی موقعیت ها و آنان که اقتدار علمی دارند و موقعیت سوم: بین روشنفکران گمنام و روشنفکران معروف. در حقیقت، بورديو معتقد است بین این قطب ها در میدان دانشگاهی کشمکش و منازعه وجود دارد. رشته هایی که در قطب اجتماعی قرار دارند، دارای قدرت موقتی و شأن اجتماعی بالایی هستند و در قطب دیگر

هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره مندی از منافع خاص که در این صحنه حاصل می گردد، مؤثر واقع می شود (استونز، ۱۳۸۷: ۳۳۵). بورديو در مقاله انواع سرمایه (۱۹۸۶) هر یک از انواع سرمایه را تعریف می کند. سرمایه اقتصادی^۱ در اندیشه بورديو شامل درآمد و بقیه منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه می کند. درآمد و دارایی را می توان معرف های سرمایه اقتصادی در نظر گرفت. سرمایه اجتماعی^۲ شامل همه منابع واقعی و بالقوه است که می تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمان ها به دست آید (آنهایر و دیگران، ۱۹۹۳). سرمایه نمادین^۳ در اندیشه بورديو محصول شناخته شدن و به رسمیت شناخته شدن توسط دیگران است (شالچی، ۱۳۸۷: ۱۰۱) و شامل کاربرد نمادهایی می گردد که فرد آن را به کار می گیرد تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشد (ترنر، ۱۹۹۸: ۵۱۲). سرمایه فرهنگی^۴ در اندیشه بورديو، نزدیک به مفهوم وبری شیوه زندگی است که شامل مهارت های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن و شیوه هایی است که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می سازد (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۱). بورديو تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می دانست و گرایش به اشیای فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی در نزد فرد را سرمایه فرهنگی می خواند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷). سرمایه فرهنگی خود به سه نوع: متجسم، عینی شده و نهادینه شده تقسیم می شود. سرمایه فرهنگی متجسم^۵ (درونی شده): توانایی های بالقوه ای هستند که به تدریج بخشی از وجود فرد شده و تثبیت گردیده اند (فونتن و شویره، ۱۳۸۲: ۹۷). این نوع سرمایه فرهنگی، نوعی ثروت درونی است که قابل انتقال و مبادله نیست و به مرور زمان بخشی از

¹ Economic Capital

² Social Capital

³ Symbolic Capital

⁴ Cultural Capital

⁵ Embodied

⁶ Objectified

⁷ Institutional

اقلیت‌هایی عمدتاً مخالف و معترض قرار دارند (فولر، ۱۹۹۷:۳۱).

میدان دانشگاه از نظر بورديو محل مبارزه برای تعیین شرایط و معیارهای عضویت مشروع و سلسله مراتب مشروع است (جنکینز، ۱۳۸۵:۲۳۸). این میدان مانند هر میدان دیگر، کانون کشمکش برای تعیین معیارهای عضویت و سلسله مراتب مشروع است؛ یعنی این میدان است که تعیین می‌کند، کدام ویژگی‌ها و صلاحیت‌ها مناسب و قابل کاربرد برای سرمایه‌اند و سودهای خاص تضمین شده برای میدان دانشگاهی به همراه می‌آورد (بورديو، ۱۹۸۴:۱۱). به طور کلی، می‌توان گفت هر میدانی، به نوع خاصی از سرمایه اهمیت می‌دهد. در میان انواع سرمایه‌ها، سرمایه فرهنگی در حوزه آکادمیک ارزشمند تلقی شده و عاملی کلیدی در تلاش برای کسب برتری در میدان مزبور و یافتن مرجعیت و پرستیژ آکادمیک است (سیدمن، ۱۳۸۶:۱۹۸).

به زعم بورديو، میدان دانشگاهی بر اساس دو اصل متفاوت و متعارض سلسله مراتب سازماندهی می‌شود: سلسله مراتب اجتماعی در برابر سلسله مراتب فرهنگی. رشته‌هایی که در صدر سلسله مراتب اجتماعی قرار می‌گیرند، به دارندگان خود مشروعیت موقت و سیاسی عرضه می‌کنند و رشته‌هایی که در صدر سلسله مراتب فرهنگی واقع می‌شوند، مشروعیت علمی و فکری برای دارندگان آن به همراه می‌آورند [۲] (جنکینز، ۱۳۸۵:۱۸۶).

بورديو معتقد است دانشگاه‌ها هم سلسله مراتب اجتماعی (ضمن آنکه زمینه قدرت و نیز نظام قشربندی را منعکس می‌کند) و هم سلسله مراتب فرهنگی را متجسم می‌سازند. سلسله مراتب فرهنگی تابع سرمایه فرهنگی است که از مرجعیت و آوازه روشنفکری مایه می‌گیرد [۳]. بورديو کشف می‌کند که دانشگاه‌های فرانسه میان رشته‌های مسلط حقوق و پزشکی و رشته‌های علوم

انسانی و تاحدی کمتر هنر توزیع شده‌اند. این تقسیم‌بندی قرینه تقسیم‌بندی میدان قدرت است که در آن افراد دارای توانایی اجتماعی، تسلط موقتی دارند و دارندگان شایستگی علمی از نظر اجتماعی فرودست‌اند. بورديو معتقد است در سلسله مراتب فرهنگی رشته‌های دانشگاهی، رشته‌هایی همچون علوم انسانی و هنر در صدر قرار می‌گیرند و حقوق و پزشکی (رشته‌هایی که در صدر سلسله مراتب اجتماعی‌اند) در مرتبه پایین‌تری قرار دارند. به گونه‌ای کلی‌تر، در نظام دانشگاهی فرانسه به علت مخالفت زمینه سیاسی - اقتصادی با زمینه فرهنگی، پیوسته کشمکش وجود دارد (ریترز، ۱۳۸۵:۷۳۱).

فرضیات تحقیق

با توجه به مسأله این تحقیق، مفروضات بیان شده و با تکیه بر نظریه بورديو، می‌توان به طرح این فرضیات اقدام نمود:

۱- نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان جامعه‌شناسی و طراحی‌صنعتی از متوسط مقیاس نظری تعریف شده بالاتر است.

۲- نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان حقوق و پزشکی از متوسط مقیاس نظری تعریف شده پایین‌تر است.

۳- نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان جامعه‌شناسی و طراحی‌صنعتی بالاتر از نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان رشته‌های حقوق و پزشکی است.

روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در این پژوهش، پیمایش^۱ و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه^۲ است. در این مطالعه برای سنجش متغیر سرمایه فرهنگی، گویه‌های مجزا به تفکیک ابعاد متغیر سرمایه فرهنگی طراحی گردید. جامعه آماری

^۱ Survey

^۲ Questionnaire

n: حجم نمونه

S: انحراف معیار (جامعه)

N: حجم جامعه

d: دقت احتمالی مطلوب = .1، $t=1/96$

$$240 = \frac{2129 \times 1/96^2 \times .705}{2129 \times .1 + 1/96^2 \times .705}$$

$$S^2 = .705 \quad S = .84$$

سنجش متغیر سرمایه فرهنگی

فرضیات در این پژوهش همگی تک متغیره‌اند و متغیر اصلی در این تحقیق، سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی از مفاهیم «بورديووی» است که البته قبل از او نیز در ادبیات علوم اجتماعی استفاده شده است. بورديو با تعریف چهار سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) برای تعیین جایگاه افراد در سلسله مراتب اجتماعی این امر را مستلزم سنجش حجم، ترکیب و مسیر این سرمایه‌ها می‌داند. در این تحقیق برای سنجش میزان سرمایه فرهنگی افراد، ابعاد سه‌گانه این سرمایه، همان‌گونه که در نظریه بورديو بدان اشاره شده، مورد نظر بوده است. بر این اساس، سرمایه فرهنگی به سه بعد، متجسم، عینی شده و نهادینه شده تقسیم می‌شود. شایان ذکر است، مطالعه و سنجش میزان سرمایه فرهنگی در این تحقیق برای اولین بار صورت نمی‌گیرد و این سنجش مسبوق بر تحقیقات پیشین در این حوزه است که قریب به اتفاق، این سرمایه را با توجه به سه بعد آن سنجیده‌اند. در این مطالعه نیز، برای مثال در بعد متجسم پرسیده‌ایم: «تاکنون کدام یک از فیلم‌هایی ذکر شده را دیده‌اید یا با آثار کدام یک از کاریکاتورست‌های هنری آشنایی دارید؟» در بعد عینیت یافته، مصرف فرهنگی در زمینه‌های مختلف، همچون: کتاب، موسیقی، فیلم، تئاتر مورد پرسش قرار می‌گیرد. برای نمونه پرسیده‌ایم: «در ماه چند بار به سینما می‌روید؟» یا اینکه: «هر سال به طور متوسط چند بار از نمایشگاه‌ها و گالری‌های هنری بازدید

این پژوهش، مشتمل بر ۲۱۲۹ دانشجوی مشغول به تحصیل (اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) در چهار رشته جامعه‌شناسی، طراحی صنعتی، حقوق و پزشکی در دانشگاه‌های دولتی اصفهان (میدان دانشگاهی) در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بود. جامعه آماری تحقیق با پرسش از بخش آموزشی دانشگاه مذکور به دست آورده شد. بنابر مسأله، سؤال‌ها و فرضیات تحقیق می‌بایست رشته‌هایی برای مطالعه وضعیت و سنجش میزان سرمایه فرهنگی انتخاب می‌شدند که معرف دو سلسله مراتب اجتماعی و فرهنگی باشند. رشته‌های حقوق و پزشکی به عنوان رشته‌هایی که معرف سلسله مراتب اجتماعی‌اند- در اینجا از آمارهای سال ۸۸ سازمان سنجش در خصوص اقبال عمومی به رشته‌ها نزد نخبگان و افراد برتر آزمون سراسری استفاده شد- و رشته جامعه‌شناسی و طراحی صنعتی به عنوان رشته‌هایی که معرف سلسله مراتب فرهنگی‌اند ° معمولاً افراد برتر آزمون سراسری رشته هنر، رشته طراحی صنعتی را برای تحصیل انتخاب می‌کنند- نیز با مشورت با تنی چند از اساتید میرز دانشگاه و متخصصین حوزه آموزش عالی و با الهام از نظریه بورديو، انتخاب گردیدند. روش نمونه‌گیری نیز براساس روش نمونه‌گیری احتمالی تعیین گردید. برای مشخص نمودن حجم نمونه، ابتدا مطالعه مقدماتی انجام شد و با توجه به نتایج آن و استفاده از فرمول کوکران بر حسب واریانس و با در نظر گرفتن پارامترها و اجزای دخیل در محاسبه آن، نمونه‌ای ۲۴۰ نفری از جامعه آماری مذکور مشتمل بر کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در این چهار رشته دانشگاهی جمع‌آوری است. شایان ذکر است که واریانس مربوطه، متعلق به شاخص کل سرمایه فرهنگی است که حاصل ترکیب ابعاد این متغیر بوده است.

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2}$$

میزان هر کدام از این سرمایه‌ها محاسبه شده و با عملیات ترکیب ابعاد در فضای نرم افزاری Spss متغیر نهایی سرمایه فرهنگی به تفکیک هر رشته به دست آمده است.

می‌کنید؟» در بعد نهادینه شده نیز از فرد سؤال شده که صاحب چه مدارک علمی، ادبی و هنری است. در پرسش‌های این تحقیق سعی شده است، ترکیبی از پرسش‌ها و گویه‌های کمی و کیفی استفاده شود. نهایتاً

جدول ۱- ابعاد و مؤلفه‌های سنجش متغیر سرمایه فرهنگی

متغیر	ابعاد	مؤلفه‌ها
سرمایه فرهنگی	متجسم	تمایلات فرد به اشیای فرهنگی، آشنایی با فعالیت‌های هنری، تسلط به زبان خارجی
	عینی شده	مصرف کالاهای فرهنگی (موسیقی، فیلم و کتاب)
	نهادینه شده	مدارک علمی، ادبی، هنری

اعتبار پرسشنامه

سنجه‌های مذکور و ارسال پرسشنامه برای اساتید متخصص در این حوزه، تأیید ایشان در باب کیفیت و اعتبار پرسشنامه دریافت شد. از این‌رو، پرسشنامه یاد شده به علت اجماع داوران این حوزه در باب اعتبار ابزار سنجش، واجد اعتبار صوری نیز هست.

علاوه بر دو نوع اعتبار ذکر شده، سنجه تحقیق با استفاده از اعتبار سازه ارزیابی شد. این نوع اعتبار بیان می‌دارد که نتایج به دست آمده از کاربرد یک ابزار اندازه‌گیری تا چه حد با نظریه‌هایی که آزمون بر محور آنها تدوین شده است، تناسب دارد (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸:۳۰۲). یکی از روش‌های تعیین اعتبار سازه، استفاده از تحلیل عاملی^۴ است. تحلیل عاملی به دنبال انطباق سازه نظری و سازه تجربی تحقیق است (همان: ۳۰۶). در این مطالعه نیز اعتبار تجربی معرف‌ها با رجوع به داده‌های مطالعه مقدماتی (pilot) از طریق تحلیل عاملی ارزیابی شده است. شرط این آزمون آن است که اگر بار عاملی همه معرف‌ها با یکی از روش‌های دوران مانند واریماکس^۵ رضایت‌بخش و مقدار KMO بیش از ۰/۷۰ باشد، در این صورت می‌توان بر اعتبار معرف‌های تجربی تحقیق اعتماد کرد. در این پژوهش نیز بالا بودن مقادیر KMO و نتایج

در این پژوهش برای ارزیابی اعتبار ابزار سنجش، از سه نوع اعتبار استفاده شد: اعتبار معیار^۱، اعتبار صوری^۲ و اعتبار سازه^۳.

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، سنجش میزان سرمایه فرهنگی برای اولین مرتبه در این پژوهش صورت نمی‌گیرد. محققان ضمن در اختیار داشتن پرسشنامه اصلی بوردیو که برای سنجش انواع سرمایه در فرانسه (۱۹۸۶) استفاده شده بود، برای طراحی پرسشنامه تحقیق از مطالعات پیشین در این حوزه، همچون شالچی (۱۳۹۰)، جان‌علیزاده، خوش‌فر و سپهر (۱۳۹۰)، نوغانی (۱۳۸۹)، فرجی و حمیدی (۱۳۸۸)، شارع‌پور و خوش‌فر (۱۳۸۱) و اسکاندیزو (۲۰۰۴) استفاده نمودند. با توجه به استفاده از سنجه‌های جا افتاده و قابل قبول در این مطالعه، می‌توان ادعا نمود که ابزار سنجش دارای اعتبار معیار است (ن.ک. ب. دواس، ۱۳۸۷:۶۳). در طراحی پرسشنامه همچنین سعی شده است در کنار توجه به پرسشنامه‌های تحقیقات پیشین، به ایده‌های صاحب‌نظران در این عرصه نیز توجه شود. بر این اساس، پس از طراحی نهایی

¹ criterion validity

² formal validity

³ construct validity

⁴ factor analysis

⁵ Varimax

آزمون بارتلت، مناسب بودن تحلیل عاملی و مقادیر بارعاملی، اعتبار سازه‌ای را تأیید می‌نماید. شایان ذکر است در خصوص گویه‌های مربوط به سرمایه متجسم، در دو مورد مقادیر بار عاملی نسبتاً پایین می‌باشد، که با

توجه به کم بودن تعداد متغیرهای مورد بررسی از حذف کردن این گویه‌های خودداری نموده‌ایم.

جدول ۲- نتایج آزمون KMO و بارتلت

Sig.	df	Bartlett's Test	KMO	scales
۰/۰۰۰	۱۵	۱۰۰/۱۸۴	۰/۷۱۴	بعد متجسم سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	۳۶	۲۰۴/۷۵۴	۰/۷۱۹	بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	۶	۴۵/۲۶۸	۰/۸۰۶	بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی

جدول ۳- تحلیل عاملی تأییدی ساختار نظری پرسشنامه و مقادیر بار عاملی ابعاد شاخص سرمایه فرهنگی

مقادیر بار عاملی	عنوان گویه	ابعاد شاخص سرمایه فرهنگی
۰/۷۸۴	مصرف فرهنگی (آثار سینمایی و تلویزیونی)	سرمایه متجسم
۰/۷۲۷	آشنایی با روزنامه‌ها و مجلات	
۰/۷۲۰	مصرف فرهنگی (کتاب‌ها و رمان‌ها)	
۰/۶۹۰	مصرف فرهنگی (آثار موسیقایی)	
۰/۴۱۲	مهارت در زمینه‌های فرهنگی هنری	
۰/۲۸۸	تسلط بر زبان‌های خارجی	
۰/۸۳۳	میزان خواندن کتاب‌های غیردرسی	سرمایه عینیت یافته
۰/۷۵۵	میزان هزینه برای خریدن روزنامه‌ها و مجلات	
۰/۷۴۳	میزان بازدید از نمایشگاه‌های هنری	
۰/۷۱۷	میزان هزینه برای خرید کتاب‌های غیردرسی	
۰/۶۴۳	میزان خواندن روزنامه و مجلات	
۰/۶۴۱	میزان هزینه برای خرید آثار موسیقایی	
۰/۵۸۲	میزان رفتن به سینما	
۰/۵۷۷	میزان تماشای فیلم (غیر از آثار پخش شده در تلویزیون ملی)	
۰/۴۹۹	میزان تماشای تئاتر در ماه	
۰/۹۲۷	اخذ و دارا بودن مدرک آموزشی - آکادمیک	سرمایه نهادینه شده
۰/۸۳۰	اخذ و دارا بودن مدارک هنری مانند عکاسی	
۰/۷۸۴	اخذ و دارا بودن مدارک ادبی	
۰/۶۸۵	اخذ و دارا بودن مدارک مهارتی	

پایایی پرسشنامه

اساس، از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شده است.

روش به کار رفته برای سنجش پایایی پرسشنامه این تحقیق، روش هم‌انگهی درونی بین گویه‌هاست. بر این

^۱ Cronbach coefficient Alpha

پرسشنامه و پژوهش نمره مناسبی محسوب می‌شود. همچنین، در جدول پیش رو ضریب آلفا به تفکیک ابعاد متغیر سرمایه فرهنگی نیز آورده شده است.

همان‌طور که می‌دانیم، برای پایا دانستن یک ابزار حداقل مقدار $0/7$ برای ضریب آلفا لازم است. پایایی به دست آمده در مورد گویه‌های این پرسشنامه میزان $0/78$ را نشان می‌دهد که برای پایا قلمداد کردن این

جدول ۴- میزان ضریب آلفای به تفکیک ابعاد متغیر سرمایه فرهنگی

ضریب آلفا	ابعاد سرمایه فرهنگی
.۷۸	سرمایه فرهنگی متجسم
.۷۹	سرمایه فرهنگی عینیت یافته
.۷۷	سرمایه فرهنگی نهادینه شده
.۷۸	کل

$30/8$ درصد مرد هستند. ناگفته پیداست که این نابرابری در تعداد نمونه به لحاظ جنس، ناظر به ترکیب جنسی دانشگاه‌ها در دهه اخیر است.

یافته‌های تحقیق

الف: آمار توصیفی

جنس: بر اساس یافته‌ها از مجموع 240 نفر نمونه مورد مطالعه، 166 نفر معادل $69/2$ درصد زن و 74 نفر معادل

جدول ۵- ترکیب جنسی نمونه پژوهش

جنس	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
زن	۱۶۶	$69/2$
مرد	۷۴	$30/8$
کل	۲۴۰	۱۰۰

ب: میزان سرمایه فرهنگی به تفکیک رشته‌های تحصیلی: چهارگانه به ترتیب در رشته جامعه‌شناسی $2/18$ در رشته یافته‌ها نشان می‌دهد میزان سرمایه فرهنگی تجمیع شده (حاصل ترکیب ابعاد متغیر سرمایه فرهنگی) در رشته‌های طراحی صنعتی $1/99$ در رشته حقوق $1/77$ و در رشته پزشکی $1/48$ است.

جدول ۶- میانگین نمره سرمایه فرهنگی بر اساس رشته تحصیلی

سلسله مراتب	رشته تحصیلی	میانگین نمره سرمایه فرهنگی
فرهنگی	جامعه‌شناسی	$2/18$
	طراحی صنعتی	$1/99$
اجتماعی	حقوق	$1/77$
	پزشکی	$1/48$

ج: میزان ابعاد متغیر سرمایه فرهنگی به تفکیک رشته‌های تحصیلی: سرمایه فرهنگی متجسم؛ همان گونه که بیان شد، به معنای داشتن گرایش‌های فرهنگی و تمایلات فرهنگی، همچون علاقه به کتاب، شعر و موسیقی است. توزیع این سرمایه در مقایسه چهار رشته مورد سنجش نشان می‌دهد که

رشته طراحی صنعتی (۱/۷) دارای بیشترین میزان سرمایه فرهنگی متجسم بوده، پس از آن به ترتیب رشته‌های جامعه‌شناسی (۱/۵۶)، حقوق (۱/۵۲) و پزشکی (۱/۵۱) میزان کمتری از این بعد سرمایه فرهنگی در مقایسه با طراحی صنعتی را دارا هستند.

جدول ۷- سرمایه فرهنگی متجسم

نام رشته	میزان سرمایه فرهنگی
جامعه‌شناسی	۱,۵۶۶۷
طراحی صنعتی	۱,۷۱۶۷
حقوق	۱,۵۲۶۳
پزشکی	۱,۵۱۶۷

سرمایه فرهنگی عینیت یافته نیز به معنای ظهور و بروز گرایش‌های فرهنگی ذیل مصرف فرهنگی افراد بود. توزیع این سرمایه در مقایسه چهار رشته مورد سنجش نشان می‌دهد که رشته جامعه‌شناسی (۲/۲) دارای بیشترین میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته بوده و پس از آن به ترتیب رشته‌های طراحی صنعتی (۲/۰۸)، حقوق (۱/۸) و پزشکی (۱/۵) میزان کمتری از این بعد سرمایه فرهنگی در مقایسه با جامعه‌شناسی را دارا هستند.

جدول ۸- سرمایه فرهنگی عینیت یافته

نام رشته	میزان سرمایه فرهنگی
جامعه‌شناسی	۲,۲۹۲۳
طراحی صنعتی	۲,۰۸۹۷
حقوق	۱,۸۴۳۶
پزشکی	۱,۵۶۹۲

سرمایه فرهنگی نهادینه شده هم به معنای داشتن مدارک علمی، ادبی و هنری افراد بود. توزیع این سرمایه در مقایسه چهار رشته مورد سنجش نشان می‌دهد که رشته طراحی صنعتی (۱/۱۶) دارای بیشترین میزان سرمایه فرهنگی نهادینه شده بوده، پس از آن به ترتیب رشته‌های جامعه‌شناسی (۱/۱)، حقوق و پزشکی (۱/۳) میزان کمتری از این بعد سرمایه فرهنگی در مقایسه با رشته طراحی صنعتی را دارا هستند.

جدول ۹- سرمایه فرهنگی نهاده شده

نام رشته	میزان سرمایه فرهنگی
جامعه‌شناسی	۱,۱۰۰۰
طراحی صنعتی	۱,۱۶۶۷
حقوق	۱,۰۳۳۳
پزشکی	۱,۰۳۳۳

ب: آمار استنباطی

مبنی بر بالاتر بودن نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان طراحی صنعتی و جامعه‌شناسی از متوسط نظری تعریف شده، رد شده و این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری است.

فرضیات اول و دوم این پژوهش از آن رو که فرضیاتی تک متغیره بودند، به وسیله آزمون T تک متغیره (One sample T.test) مورد آزمون قرار گرفت. همچنین، برای بررسی سومین فرضیه تحقیق از آزمون تحلیل واریانس و پس آزمون دانکن بهره برده‌ایم. آزمون T به منظور مقایسه میانگین متغیرهای تحقیق با عددی ثابت (در اینجا میانگین نظری) و از آزمون تحلیل واریانس و پس آزمون دانکن برای مقایسه مقادیر متغیر مورد بررسی در بین گروه‌های مختلف استفاده می‌شود.

فرضیه اول: براساس یافته‌ها چنانکه در جداول بالا آمده است، فرضیه اول این مطالعه که بیان می‌دارد، نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان جامعه‌شناسی و طراحی صنعتی از متوسط مقیاس نظری تعریف شده- عدد (۳)^۱- بالاتر است، رد می‌شود. با توجه به عدد میانگین به دست آمده برای رشته جامعه‌شناسی (۲/۱۸) و رشته طراحی صنعتی (۱/۹۹) و خروجی آزمون T معناداری تفاوت میانگین‌ها را تأیید کرده و در نتیجه ادعای محقق

^۱- شایان ذکر است که بنابر طیف پنجگانه، کدگذاری از ۱ تا ۵ صورت پذیرفته است. بر همین اساس ۱ کمترین میزان سرمایه فرهنگی و ۵ بالاترین میزان سرمایه فرهنگی را نمودار می‌سازد. همچنین، متوسط نظری با توجه به این طیف ۳ تعیین گردید.

جدول ۱۰- آزمون T برای رشته جامعه‌شناسی

متغیر	ارزش معیار = ۳	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
سرمایه فرهنگی		-۱۴/۹۲	۵۹	۰/۰۰۰	-۰/۸۲

جدول ۱۱- آزمون T برای رشته طراحی صنعتی

متغیر	ارزش معیار = ۳	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
سرمایه فرهنگی		-۲۱/۹۴	۵۹	۰/۰۰۰	-۱/۰۱

تأیید می‌گردد. نتایج آزمون T و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ نیز مؤید معناداری این تفاوت و قابلیت تعمیم نتایج به جامعه آماری است.

فرضیه دوم: فرضیه دوم تحقیق که مدعی است، نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان حقوق و پزشکی از متوسط مقیاس نظری تعریف شده پایین‌تر است، براساس یافته‌ها

جدول ۱۲- آزمون T برای رشته حقوق

متغیر	ارزش معیار = ۳	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
سرمایه فرهنگی		-۲۲/۷۴	۵۹	۰/۰۰۰	-۱/۲۳

جدول ۱۳- آزمون T برای رشته پزشکی

متغیر	ارزش معیار = ۳	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
سرمایه فرهنگی		-۶۴/۲۰	۵۹	۰/۰۰۰	-۱/۵۲

چهارگروه (رشته تحصیلی) مربوطه ارزیابی شده است. نتایج این آزمون‌ها نیز تفاوت این میانگین و اختلاف معنادار سرمایه فرهنگی چهار رشته مذکور را، واقعی و معنادار ارزیابی کرده و بر این اساس می‌توانیم با احتمال ۹۵٪ ادعا کنیم که این تفاوت در جمعیت هم وجود دارد.

فرضیه سوم: در نهایت فرضیه سوم مبنی بر اینکه نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان رشته جامعه‌شناسی و طراحی صنعتی از نمره سرمایه فرهنگی رشته حقوق و پزشکی بالاتر است، تأیید می‌گردد. همچنین، با استفاده از آزمون تحلیل واریانس و آزمون دانکن، اختلاف سرمایه فرهنگی

جدول ۱۴- تحلیل واریانس مقایسه سرمایه فرهنگی دانشجویان رشته‌های مختلف

مجموع مربعات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معنی‌داری	بین گروه‌ها
۱۶/۳۴	۳	۵/۴۵	۴۱/۹۳	۰/۰۰۰	بین گروه‌ها
۳۰/۶۶	۲۳۶	۰/۱۳			درون گروه‌ها
۴۶/۹۹	۲۳۹				کل

جدول ۱۵- آزمون دانکن مقایسه سرمایه فرهنگی دانشجویان رشته‌های مختلف

رشته	تعداد	۱	۲	۳	۴
پزشکی	۶۰	۱/۴۸			
حقوق	۶۰		۱/۷۷		
طراحی صنعتی	۶۰			۱/۹۹	
جامعه‌شناسی	۶۰				۲/۱۸
سطح معنی‌داری		۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب و استفاده از چارچوب نظری بوردیو، در این مطالعه به علت قرابت نظریه فرهنگی وی، بحث از دانشجویان جامعه‌شناسی، میدان دانشگاهی و مفروضه‌های این تحقیق است. این پژوهش در حقیقت نوعی «جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی» است و خود را - جامعه‌شناسی - موضوع مطالعه قرار داده است. بوردیو در این‌باره معتقد بود: هنگامی که جهان اجتماعی را که درون آن قرار داریم، به عنوان موضوع مطالعه برمی‌گزینیم، مجبوریم به شکل غم‌انگیزی با مشکلات اساسی معرفت‌شناسانه روبه‌رو شویم. مشکلاتی که ناشی از تفاوت میان شناخت عملی و عالمانه و بویژه مشکل خاص گسست از تجربه بومی و اعاده شناختی باز می‌گردد، به بهای این گسست به دست می‌آید. می‌دانیم که نزدیکی یا فاصله بیش از حد به موضوع مانع شناخت علمی است. بوردیو معتقد بود همان کشاکشی که در جامعه و فضای اجتماعی بین اقطاب مختلف مثل صاحبان منزلت و جاه (مهندسان، مدیران و پزشکان) و صاحبان ایده و روشنفکران وجود دارد، در میدان دانشگاهی نیز قابل مشاهده و پیگیری است. در واقع، میدان دانشگاهی زمینه قدرت و نیز نظام قشربندی را بازنمون می‌سازد. در میدان دانشگاهی این تقابل و رقابت

در کسوت دو سلسله مراتب رشته‌های دانشگاهی خود را نشان می‌دهد: سلسله مراتب اجتماعی و سلسله مراتب فرهنگی.

یافته‌های این پژوهش کاربرد پذیری نظریه بوردیو درباره سلسله مراتب رشته‌های دانشگاهی در ایران و سؤال‌های این تحقیق را پاسخ می‌گوید. در این مطالعه با استناد به نظریه بوردیو در بحث از میدان و سرمایه، نشان دادیم همان‌گونه که بوردیو نیز اعتقاد داشت، آنچه به میدان معنا می‌دهد، سرمایه است. میدان ما در این پژوهش، میدان دانشگاهی بود. مفروضه و فرضیه ما و همچنین، چارچوب نظری و یافته‌های تحقیق نشان داد که آنچه به میدان علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی) معنا می‌بخشد، سرمایه فرهنگی است. در این مطالعه نشان دادیم، دارا بودن این سرمایه در میدان دانشگاهی به طور عام و در میدان علوم اجتماعی به طور خاص، امری تمایزبخش و مرجعیت‌بخش است. اساساً به نظر می‌رسد سرمایه فرهنگی در چنین میدانی (علوم اجتماعی) و دارا بودن میزان در خور توجهی از آن در ابعاد مختلفش، جایگاه فرد را در میدان مزبور ارتقا داده، در کشاکش نمادین بین رشته‌های دانشگاهی جایگاه محکم‌تر و موقعیت برابری برای دانشجویان این رشته رقم خواهد زد.

تفاوت میان میانگین نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان، نشان دهنده به وجود آمدن سلسله مراتب فرهنگی در کنار سلسله مراتب از پیش موجود اجتماعی در میدان دانشگاهی ایران است. در این میدان، از یک سو با سلسله مراتب اجتماعی روبه روییم که در آن رشته‌هایی، مانند: پزشکی و حقوق در صدر آن قرار دارند. این رشته‌ها از منزلت اجتماعی والاتری برخوردار و همواره با اقبال عمومی بیشتری مواجه بوده‌اند. در عین حال، این رشته‌ها بنابر نتایج این مطالعه به لحاظ برخورداری از سرمایه فرهنگی در مراتب پایین تری قرار دارند. از سویی دیگر، میدان دانشگاهی ایران نمایانگر سلسله مراتب فرهنگی است. در این سلسله مراتب، رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی و طراحی صنعتی در صدر قرار داشته، در گفتمان درون دانشگاهی و روشنفکرانه، جایگاه رفیع تری دارند. این رشته‌ها همان گونه که نتایج تحقیق نیز آن را

به اثبات رساند، دارای میزان بالاتری از سرمایه فرهنگی در مقایسه با رشته‌های حقوق و پزشکی هستند. این حجم از سرمایه فرهنگی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته‌ها، همان کارکرد تمایز بخشی را ایفا می‌کند که منزلت اجتماعی رشته حقوق و پزشکی برای عاملان آن. میل فزاینده‌ای که در سال‌های اخیر نسبت به تغییر رشته در سطح کارشناسی ارشد به رشته جامعه‌شناسی در بین دانشجویان رشته‌های فنی و پزشکی به وجود آمده، خود شاهدی بر فربهی میدان‌های روشنفکرانه و رقابت منزلت فرهنگی با منزلت‌های اجتماعی - اقتصادی است.

همچنین، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، دانشجویان جامعه‌شناسی در ابعاد سرمایه فرهنگی، در بعد سرمایه متجسم، پایین تر از دانشجویان طراحی صنعتی و در بعد عینیت یافته میزان بالاتری از سرمایه فرهنگی را در مقایسه با رشته طراحی صنعتی و دیگر رشته‌ها دارا هستند. این تفاوت در بحث ابعاد سرمایه فرهنگی معنادار

ورای این رقابت منزلتی میان این دو سلسله مراتب، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این حجم از سرمایه فرهنگی برای نهادی‌سازی منزلت فرهنگی کافی نیست. به عبارت دقیق‌تر، اگرچه رشته جامعه‌شناسی دارای بالاترین میزان سرمایه فرهنگی در بین رشته‌های دانشگاهی است، اما کماکان نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان این رشته از متوسط نظری تعریف شده پایین تر است. این نهادی‌سازی منزلت فرهنگی مستلزم: ۱- حجم بالایی از سرمایه به طور کلی؛ ۲- دارا بودن میزان بالایی از سرمایه فرهنگی در ترکیب سرمایه و ۳- انتقال این حجم و ترکیب سرمایه با شیب مثبت به نسل بعد در فرایند مسیر سرمایه است. مجموع این ویژگی‌ها، به وجود آورنده رشته‌های دانشگاهی خواهد بود که هویت رشته‌ای خود را بر اساس منزلت فرهنگی بر می‌سازند.

تفاوت میان میانگین نمره سرمایه فرهنگی دانشجویان، نشان دهنده به وجود آمدن سلسله مراتب فرهنگی در کنار سلسله مراتب از پیش موجود اجتماعی در میدان دانشگاهی ایران است. در این میدان، از یک سو با سلسله مراتب اجتماعی روبه روییم که در آن رشته‌هایی، مانند: پزشکی و حقوق در صدر آن قرار دارند. این رشته‌ها از منزلت اجتماعی والاتری برخوردار و همواره با اقبال عمومی بیشتری مواجه بوده‌اند. در عین حال، این رشته‌ها بنابر نتایج این مطالعه به لحاظ برخورداری از سرمایه فرهنگی در مراتب پایین تری قرار دارند. از سویی دیگر، میدان دانشگاهی ایران نمایانگر سلسله مراتب فرهنگی است. در این سلسله مراتب، رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی و طراحی صنعتی در صدر قرار داشته، در گفتمان درون دانشگاهی و روشنفکرانه، جایگاه رفیع تری دارند. این رشته‌ها همان گونه که نتایج تحقیق نیز آن را به اثبات رساند، دارای میزان بالاتری از سرمایه فرهنگی در مقایسه با رشته‌های حقوق و پزشکی هستند. این حجم از سرمایه فرهنگی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته‌ها، همان کارکرد تمایز بخشی را ایفا می‌کند که منزلت اجتماعی رشته حقوق و پزشکی برای عاملان آن. میل فزاینده‌ای که در سال‌های اخیر نسبت به تغییر رشته در سطح کارشناسی ارشد به رشته جامعه‌شناسی در بین دانشجویان رشته‌های فنی و پزشکی به وجود آمده، خود شاهدی بر فربهی میدان‌های روشنفکرانه و رقابت منزلت فرهنگی با منزلت‌های اجتماعی - اقتصادی است.

همچنین، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، دانشجویان جامعه‌شناسی در ابعاد سرمایه فرهنگی، در بعد سرمایه متجسم، پایین تر از دانشجویان طراحی صنعتی و در بعد عینیت یافته میزان بالاتری از سرمایه فرهنگی را در مقایسه با رشته طراحی صنعتی و دیگر رشته‌ها دارا هستند. این تفاوت در بحث ابعاد سرمایه فرهنگی معنادار

پی‌نوشت‌ها

[۱] اشافنبرگ و ماس (۱۹۹۷) نیز ویژگی‌های اصلی سرمایه فرهنگی را مهارت و آشنایی با رمزهای فرهنگی و اعمال طبقات مسلط می‌دانند. دومایس (۲۰۰۲) به این موضوع اشاره می‌کند سرمایه فرهنگی مشتمل بر کفایت زبانی و فرهنگی و مهارت در فرهنگ «فرهیخته» طبقات بالاتر است. موضوع زبان مناسب و به عنوان جزئی مهم از تعریف سرمایه فرهنگی به وسیله سالیوان (۲۰۰۱) ارایه شده است: سرمایه فرهنگی ناظر بر این ادعاست که شخص براساس منش برتر فرهنگی جامعه، جامعه‌پذیر شده است. هایس اصطلاح سرمایه فرهنگی را بازنمای جمع نیروهای غیر اقتصادی، مانند زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت، منابع مختلف و مانند آنها می‌داند (تراسبی، ۱۳۸۲). دیوین (۲۰۰۸) نیز در بحث سرمایه فرهنگی علاوه بر محوریت طبقه بر پیشینه خانوادگی نیز تأکید می‌کند.

[۲] رشته‌هایی که در مراتب سیاسی مقام بالاتری دارند، کارگزاران اجرایی تربیت می‌کنند که قادرند اصول و فنون دانش معینی را بدون چون و چرا یا شک و شبهه در عمل پیاده کنند. در مقابل، رشته‌هایی که در مراتب فرهنگی مرتبه بالاتری دارند، به واسطه نیازی که به پی‌ریزی شالوده عقلانی برای معرفی دارند که در سایر رشته‌ها صرفاً تعلیم داده و به کار برده می‌شود، صاحب شکلی از آزادی هستند که در فعالیت‌های اجرایی منع می‌شود (بوردیو، ۱۹۸۴: ۶۳).

[۳] برای مثال، علوم دقیقه مثل فیزیک و شیمی همواره بالاتر از علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی هستند. رشته‌های در مرتبه پایین غالباً برای رسیدن به مراتب بالاتر تلاش می‌کنند تا اعتبار بیشتری کسب کنند (ریترز، ۱۳۸۹: ۳۲۳).

[۴] بر اساس اعلام سازمان سنجش در کنکور سال

گذشته ۱۳ رشته پرطرفدار شامل رشته‌های مهندسی برق، مهندسی مکانیک، مهندسی کامپیوتر، مهندسی عمران، مهندسی معماری، مهندسی صنایع در گروه آزمایشی ریاضی و فنی؛ رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی در گروه آزمایشی علوم تجربی و رشته‌های حقوق، روان‌شناسی و حسابداری در گروه آزمایشی علوم انسانی بودند (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹/۳/۲۳ شماره خبر: ۱۰۰۸۷۷۶۴۹۱۷۸).

منابع

آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۷). «آموزش جامعه‌شناسی در ایران؛ مشکلات و فرصت‌ها»، مجله آموزش عالی ایران، ش ۱، صص ۱-۲۹.

ابراهیمی لویه، عادل. (۱۳۸۰). بررسی تأثیر نابرابری اجتماعی بر توزیع سرمایه فرهنگی و نقش سرمایه فرهنگی در باز تولید طبقه اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

استونز، راب. (۱۳۸۱). متفکران بزرگ جامعه‌شناس، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.

برگر، پیتروال. (۱۳۴۷). دعوتی به جامعه‌شناسی، ترجمه: شهره مهدوی، [بی‌تا]، تهران: انتشارات روشنگر.

بقایی، علی و سرابی، محمد جواد. (۱۳۸۸). «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت دانشگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۷۵-۲۰۳.

بوردیو، پی. یر. (۱۳۹۰). تمایز، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.

بون ویتز، پاتریس. (۱۳۹۰). درس‌هایی از جامعه‌شناسی پیر بوردیو، ترجمه: جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، تهران: نشر آگه.

- تراسبی، دیوید. (۱۳۸۲). *اقتصاد و فرهنگ*، ترجمه: کاظم فرهادی، تهران: نشرنی.
- جان‌علیزاده، حیدر، خوش‌فر، غلامرضا و سپهر. (۱۳۹۰). «سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی»، *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ش ۲، صص ۸۴-۱۰۶.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۵). *پی‌یر بوردیو*، ترجمه: لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشرنی.
- حبیب‌پور، کرم و صفری، رضا. (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد Spss در تحقیقات پیمایشی*، تهران: نشر متفکران.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۵). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ ششم.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۹). *مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه: شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر ثالث، چاپ ششم.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۶). *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فر. (۱۳۸۱). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان»، *نامه علوم/اجتماعی*، ش ۲، صص ۱۳۳-۱۴۷.
- شالچی، وحید. (۱۳۸۷). «سبک زندگی جوانان کافی شاپ»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ش ۱، صص ۹۳-۱۱۳.
- شویره و فونتین. (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*، ترجمه: مرتضی کتبی، تهران: نشرنی.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). «جامعه‌شناسی در ایران، وضعیت آن در گذشته و حال و جایگاه و نقش آن در آینده»، *مجله رهیافت*، ش ۱۳، صص ۸۱-۸۷.
- غائب، فریده. (۱۳۸۶). *سرمایه فرهنگی و تأثیر آن بر سبک زندگی دختران نوجوان شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، قم: انتشارات صبح صادق.
- فخرایی، سیروس و کریمیان، انور. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هویت‌پذیری»، *فصلنامه جامعه‌شناسی*، سال اول، شماره سوم، صص ۱۲۵-۱۴۸.
- فرجی، مهدی و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۸). «نحوه بازنمایی مصرف‌گرایی: بازنمایی سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی در سریال‌های تلویزیونی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال پنجم، ش ۱۵، صص ۱۳۹-۱۵۸.
- فعلی، جواد و ذوالفقاری، ابوالفضل. (۱۳۸۸). «تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی افراد روی میزان اعتماد آنها به پلیس»، *فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی*، شماره اول، سال سوم، صص ۱۴۱-۱۶۶.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۷۱). «بررسی رشته جامعه‌شناسی در ایران: بخش اول و بخش دوم»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، صص ۸۱-۱۱۱.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۳). «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، ش ۴۲-۴۱، صص ۱۴۹-۱۶۰.
- نوغانی، محسن. (۱۳۸۹). «تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ش ۹۱، صص ۷۱-۱۰۰.
- Anheir, Helmut. K. Gerhard's, Jorgen and Romo Frank's (1993) "Forms of Capital and Social Structure in Cultural Fields, Examining Bourdieu Social Topography", *American Journal of Sociology*, Vo: 100, No:4.
- Aschaffenburg, Karen and Mass, Ineke (1997)

- Participation on the Grands of High School Students", *American Sociological Review*, Vo:4
- Devine, Ellers. (2005) Rethinking Bourdieu: A Critical Review of Cultural Capital, edu/~auderey.
- Dumais, S. (2002) "Cultural Capital ,Gender and School Success: the Role of Habitus", *In Sociology of Education* v. 75 i.1 pp. 68-44.
- Erickson, Bonnie, E. (1996), "Culture, Class, and Connection", in: *American Journal of Sociology*.
- Fowler, Bridget, (1997) *Pierre Bourdeiu and cultural theory*, London, sage publication.
- Lareau, A. & Weininger, E.B. (2003). Cultural Capital, www.brockport.edu/sociology.
- Noble, John & Davies, Peter (2009). *Cultural capital as an explanation of variation in participation in higher education*, Institute for Access Studies, Staffordshire University.
- Sullivan, Alice (2001) "Cultural Capital and Educational Attainment", *Sociology*, vol35, no 4.
- "Cultural and Educational Careers, Thedynamics of Social Reproduction", *American Sociological Review*, Vo:62, No:4.
- Barrett, Richard. (2008) " Measuring Cultural Capital: The Cultural Transformation Tools", *Journal of Epidemiology and Community Health*, 2008;62:e13 ; doi:10.1136/jech.2007.066159.
- Bourdieu, Pierre. (1984) *Homo Academicus*, Translated by Peter Collier, Stanford University press.
- Bourdieu, Pierre. (1986) THE FORMS OF CAPITAL, Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, Westport, CT: Greenwood, pp. 241° 58
- Colin, Mercer. (2005) "Cultral capital and Capability : Ddefining and measuring thecultural field", Paper prepared for the Third Global Forum on Human Development: Cultural identity, democracy and globalequity Paris 17 Journal of Epidemiology and Community Health 19 January
- DiMaggio, Paul. (1982) "Cultural Capital and Social Success: the Impact of Status Cultural